

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)



(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)



(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)



(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)



(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم)

(یا به جهل کشیده شوم)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّديقَةِ؛

فاطمةَ الزَّكِيَّةِ؛

حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ؛

وَ أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيائِكَ؛

الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا

عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

آن بانویی که تاج شفاعت به دست اوست
هر تار و پود عالم هستی ز هست اوست

آن را که حق به سوره کوثر ستوده است
در شأن وی هر آنچه بگویم شکست اوست



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

(هِيَ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى)

(وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ایشان صدیقه‌ی کبری است و بر محور معرفت او

تاریخ گذشته شکل گرفته است.



آنچه گذشت

در جلسه‌ی گذشته گفتیم:

یکی از درخواستهای مهم هر مسلمان،
هدایت به (صراط مستقیم)،
یا (عبودیت) است:

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

(صراط مستقیم) یا (عبودیت)

محتوای دعوت رسولان،

و هدف خلقت جن و انس است:

(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا)
(أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ)

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)

حال اگر سوال کنیم:

غایت (عبودیت) یا (صراط مُسْتَقِيم)

چیست؟

پاسخ قرآن کریم این است که:

(وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ)





انسان در سیر طبیعی خود،
اولین قدمی را که برمی‌دارد کسب **(علم)** است.

در قدم بعد،
اگر **(علم)** را به مرحله‌ی **(عمل)** برساند؛
موجب شکوفایی **(علم)**، و رفتن آن،
به مرحله‌ای دیگر، با کیفیتی دیگر می‌گردد.





سیر در چرخه‌ی (علم و عمل)،
تا جایی ادامه پیدا می‌کند که:

(علم) ثابت شده، شک را قبول نمی‌کند،
و آرامش و طمأنینه به دنبال می‌آورد؛

و این، همان تعریف (یقین) است.



(عبودیت)

همان چرخه‌ی (علم و عمل) است؛
که (یقین) را به دنبال می‌آورد.

و (یقین)

(یک نحوه ادراک)

یا (یک نحوه نگرش به زندگی) است.

آنچه در نزد الله تعالی، دارای ارزش است:
(عملی) است که به (یقین) منتهی شود.

و (یقین)

(یک نحوه‌ی ادراک)

یا (یک نحوه‌ی نگرش به زندگی) است.

این کلام عجیب که:

هدف تمامی دستورات دینی، تاثیر گذاری بر:
(**نحوه‌ی ادراک** یا **نحوه نگرش به زندگی**) است؛

نتایج شگفت‌انگیزی را به دنبال دارد،
که در فصل بعدی گفتار، به آن خواهیم پرداخت.

کلام فاطمی

کلام فاطمی

گروه فرهنگی المنهاج



کلام فاطمی

رمز بندگی در
کلام فاطمی

جلسه سوم



ادامه‌ی سخن



هدف تمامی دستورات دینی، تاثیر گذاری بر:
(**نحوه‌ی ادراک** یا **نحوه نگرش به زندگی**) است؛

(**نحوه‌ی ادراک** یا **نحوه‌ی نگرشی**)

که دین به دنبال آن است، (**یقین**) نام دارد.





حال چالش اساسی این است که:

(نحوه‌ی ادراک یا نحوه‌ی نگرش یا نحوه‌ی یقینی)

که دین به دنبال آن است،

(چگونه نگرشی است؟)

برای روشن شدن این مطلب،

به بیانات بخش بعد توجه فرمایید!



(صلی الله علیه و آله)
حدیثی از رسول اکرم
درباره ی یقین

جاءَ جَبْرئيلُ عليه السلام للنبيِّ صلى الله عليه و آله فقالَ:
يا رسولَ الله، إِنَّ الله تبارك و تعالى
أرسلني إليك بهديَّةٍ لم يُعطيها أحدا قبلك.

جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر آمد و عرض کرد:
ای رسول خدا! خداوند تبارک و تعالی
مرا با هدیه‌ای سوی تو فرستاده است که:
قبل از تو آن را به هیچ کس نداده است.



گروه فرهنگی المنهاج



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:
قُلْتُ وَ مَا هِيَ ؟ قَالَ: الصَّبْرُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ.

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:
گفتم: آن چیست؟
جبرئیل گفت: (صبر) و بهتر از آن.



قلتُ: و ما هُو؟ قال: الرِّضَا و أَحْسَنُ مِنْهُ.
قلتُ: و ما هو؟ قال: الزُّهْدُ و أَحْسَنُ مِنْهُ.

گفتم: آن چیست؟ گفت: (رضا) و بهتر از آن.
گفتم: آن چیست؟ گفت: (زهد) و بهتر از آن.

قلتُ: و ما هو؟ قال: الإِخْلَاصُ و أَحْسَنُ مِنْهُ.
قلتُ: و ما هو؟ قال: اليَقِينُ و أَحْسَنُ مِنْهُ.

گفتم: آن چیست؟ گفت: (اخلاص) و بهتر از آن.
گفتم: آن چیست؟ گفت: (یقین) و بهتر از آن.





قلتُ: و ما هو؟ قالَ جَبْرئیلُ:
إِنَّ مَدْرَجَةَ ذَلِكِ التَّوَكُّلِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

گفتم: بهتر از (یقین) چیست؟ جبرئیل گفت:
پلکان آن (توکل) بر خداوند عز و جل است.

دقت کنید!

هدیه‌ای که خداوند:
قبل از رسول الله آن را به هیچ‌کس نداده است:

(صبر) و (رضا) و (زهد) و (اخلاص) و (یقین)
و (توکل) بر خداوند عزّ و جلّ است.

(صبر) و (رضا) و (زهد) و (اخلاص) و (یقین)

و (توکل) بر خداوند عز و جل که:

(هریک از دیگری بهترند)

و نردبان بالا رفتن و دسترسی به این امور:

(توکل) بر خداوند عز و جل است.

قبل از این که در ادامه‌ی این حدیث شریف،
به شرح معنای **(توکل)** پردازیم،
در نظر داشته باشید که:

هدف تمامی دستورات دینی، تاثیر گذاری بر:
(نحوه‌ی ادراک یا نحوه نگرش به زندگی) است.

در طول صفحات آینده،
در شرح معنای **(توکل)**،
در نظر داشته باشید که:

آیا چیزی جز **(نحوه‌ی ادراک)**،
یا **(نحوه نگرش به زندگی)** مشاهده
می‌کنید؟

شرح حقیقتِ توکل

(فَقُلْتُ وَ مَا التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ،)

از جبرئیل پرسیدم:

(حقیقت توکل بر الله عز و جل چیست؟)

جبرئیل در پاسخ گفت:

(الْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ)،

(توکل یافتن این حقیقت است که)

(مخلوق نه ضرر میزند نه نفع می‌رساند)

(وَلَا يُعْطِي وَ لَا يَمْنَعُ)،

(و نه عطا می کند و نه منع)

(وَ اسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ)،

(و این که به کلی از خلق ناامید شوی).

كلام فاطمی

كلام فاطمی

گروه فرهنگی المنهاج



كلام فاطمی

رمز بندگی در
كلام فاطمی

جلسه سوم



آثار توکل

سپس در آثار (توکل)، چنین می‌گوید:

(فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ)،

(وقتی بنده‌ای این‌گونه شد)

(لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ)،

(برای احدی غیر الله تعالی کار نمی‌کند)



(وَلَمْ يَرْجُ وَ لَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ)،

(به احدی غیر الله تعالی امید نمی بندد)

(و از احدی غیر الله تعالی خوف ندارد)

(وَلَمْ يَطْمَعُ فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ)،

(و به احدی غیر الله تعالی طمع نمی کند).



(فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ)،

(این همان حقیقت توکل است)

و **(توگُل)** **(یافتن)** این حقیقت است که:

(مخلوق نه ضرر میزند نه نفع می‌رساند)

(و نه عطا می‌کند و نه منع)

(و این که به کلی از خلق ناامید شوی)

آیا در شرح معنای **(توگُل)**، چیزی جز **(نحوه‌ی ادراک)**،

یا **(نحوه نگرش به زندگی)** مشاهده می‌کنید؟





آیا **(یافتن)** این حقیقت که:
(مخلوق نه ضرر میزند نه نفع می‌رساند)
(و نه عطا می‌کند و نه منع)
(و این که به کلی از خلق ناامید شوی)
 چیزی جز **(حقیقت توحید)** است که می‌گوید:

حق تعالی **(مالک حقیقی)** تمام عالم است.
(قوام و هستی) تمام عالم، به حق تعالی وابسته است.



آیا (یافتن) این حقیقت که:

(مخلوق نه ضرر میزند نه نفع می‌رساند)

(و نه عطا می‌کند و نه منع)

(و این که به کلی از خلق ناامید شوی)

جز در (چرخه‌ی علم و عمل)،

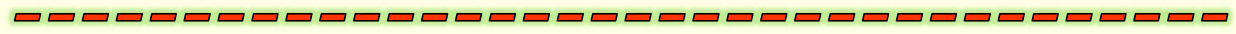
و در (سیر زندگی)، به دست می‌آید؟



حال به ادامه‌ی روایت،

و به شرح حقیقتِ (صبر)،

توجه کرده و باز هم در نظر داشته باشید که:



آیا چیزی جز (نحوه‌ی ادراک)،

یا (نحوه نگرش به زندگی) مشاهده می‌کنید؟



شرح حقیقتِ صبر

قُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ فَمَا تَفْسِيرُ الصَّبْرِ؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

از جبرئیل سوال کردم:

پس تفسیر (صبر) چیست؟

قَالَ تَصْبِرُ فِي الضَّرَاءِ كَمَا تَصْبِرُ فِي السَّرَاءِ،
وَ فِي الْفَاقَةِ كَمَا تَصْبِرُ فِي الْغِنَاءِ.

جبرئیل پاسخ داد:

این که در **(الضَّرَاءِ / سختی‌ها)** صبر کنی،
همچنان که در روزگار آسایش صبر می‌کنی؛
و در **(الْفَاقَةِ / تهیدستی)** صبر کنی،
همچنان که در توانگری صبر می‌کنی.



و فِي الْبَلَاءِ كَمَا تَصْبِرُ فِي الْعَافِيَةِ،
فَلَا يَشْكُو حَالَهُ عِنْدَ الْمَخْلُوقِ بِمَا يُصِيبُهُ مِنَ الْبَلَاءِ.

و در بیماری و گرفتاری صبر کنی،
همچنان که در زمان سلامت و عافیت صبر می کنی.
آدم صبور از بلایی که به او می رسد،
نزد مخلوق شکایت نمی کند.

آیا **(صبر)** در **(سختی و آسایش)**
(تهیدستی و توانگری و بلاء و عافیت)

چیزی جز **(نحوه‌ی ادراک)**،
یا **(نحوه نگرش به زندگی)** است؟
و آیا جز در **(چرخه‌ی علم و عمل)**،
و در **(سیر زندگی)** به دست می‌آید؟



آیا (صبر) در (سختی و آسایش)
(تهیدستی و توانگری و بلاء و عافیت)
چیزی جز همان (بیان توحیدی) است که می‌فرماید:

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا
(هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)

پیام

(قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا)
(هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)

این است که:

بگو (و به این قول پایبند باش) که:

(هر اتفاقی که برای ما می افتد)

(و هر امری که بر ما واقع می شود)

چیزی نیست جز آنچه (الله تعالی) برای ما نوشته،

یعنی (مقدر کرده است)

(هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)

او مولای ما است،
و مؤمنان فقط بر الله تعالی (توکل) می کنند.

آیا در این عبارتها
چیزی غیر از (ادراک توحیدی) می شنوید.





در این بخش از گفتار،
از شرح حقیقت (رضا، زهد و اخلاص)،
صرف نظر کرده،
و فقط به بخش پایانی روایت،
در شرح حقیقت (یقین) می پردازیم.



شرح حقیقتِ یقین

قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ الْيَقِينِ؟

پس از جبرئیل سوال کردم:
تفسیر (یقین) چیست؟

قَالَ الْمُؤْمِنُ يَعْمَلُ لِلَّهِ كَأَنَّهُ يَرَاهُ.

پاسخ داد:

(صاحب یقین) برای الله تعالی کار می کند،

به گونه ای که گویا او را می بیند.

فَإِنَّ لَمْ يَكُنْ يَرَى اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ يَرَاهُ.

و اگر (در این درجه نیست که گویا الله را می بیند)

به گونه ای عمل می کند که:

گویا الله تعالی او را می بیند.

(صاحب یقین) برای الله تعالی کار می کند،
به گونه ای که (گویا او الله را می بیند)،
یا (گویا الله تعالی او را می بیند).

این امر عجیب،

سرّ نحوه ی عملکرد (صاحب یقین) است.

دقت کنید!

(گویا او الله را می بیند)

یا (گویا الله تعالی او را می بیند)

فقط در (چرخه‌ی علم و عمل) معنا پیدا می کند.

(صاحب یقین)

در (چرخه‌ی علم و عمل)

به گونه‌ای انتخاب می‌کند که:

به (الله تعالی) توجه دارد و این توجه،
در (نحوه‌ی انتخاب او) اثر می‌گذارد.



(الله تعالی)

(منشأ عالم است)

توجه به (منشأ عالم)،
در (تمامی انتخابها) اثر می‌گذارد،
و از جمله نتایج آن این است که:



(نفع و ضرر را به دست الله می‌داند)
(به کلی از خلق ناامید است)

-
- (برای احدی غیر الله تعالی کار نمی‌کند)
 - (به احدی غیر الله تعالی امید نمی‌بندد)
 - (و از احدی غیر الله تعالی خوف ندارد)
 - (و به احدی غیر الله تعالی طمع نمی‌کند)



و اگر این امور را مشاهده نمی کند:

ولی در (چرخه‌ی علم و عمل)،
و در (تمامی انتخابها) مشاهده می شود.

خصوصیت دیگر (صاحب یقین)
این است که:

وَ أَنْ يَعْلَمَ يَقِينًا أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ،
وَ أَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ.

به عبارت (أَنْ يَعْلَمَ يَقِينًا) توجه کنید!
معنای این عبارت این است که:

او قطعاً و یقیناً (یافته است).
سخن از (یافتن) است نه از (دانستن).



او قطعا و یقینا **(یافته است)** که:

وَأَنَّ يَعْلَمَ يَقِينًا أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ،
وَأَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ.

آنچه که **(برای او رخ داد)**

هرگز ممکن نبود اتفاق نیوفتد؛

آنچه که **(برای او رخ نداد)**

هرگز ممکن نبود اتفاق بیوفتد.



آیا پیام

(قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا)
(هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)

را به یاد می آورید؟

آیا در تمامی آنچه که در این روایت شنیدید،
چیزی جز (نحوه‌ی ادراک)،
یا (نحوه نگرش به زندگی) مشاهده می‌کنید؟

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ
وَ صَلِّ عَلَى ابْتُولِ الطَّاهِرَةِ الصَّديقَةِ الْمُعْصُومَةِ
التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ الرَّشِيدَةِ
الْمَظْلُومَةِ الْمُقْهُورَةِ
الْمَغْصُوبَةِ حَقِّهَا
الْمَمْنُوعَةِ إِرْتِثِهَا الْمَكْسُورَةِ ضِلْعُهَا
الْمَظْلُومِ بَعْلِهَا الْمُقْتُولِ وَلَدُهَا
فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِكَ وَ بَضْعَةَ لَحْمِهِ وَ صَمِيمِ قَلْبِهِ.



ناطقه مرا مگر روح قُدُس کند مدد

فیض نخست و خاتمه نور جمال فاطمه

صورت شاهد ازل، معنی حسن لم یزل

مطلع نور ایزدی مبدا فیض سرمدی

لیله‌ی قدر اولیاء، نور نهار اصفیاء

وحی و نبوتش نسب جود و فتوتش حسب

در جبروت حکمران، در ملکوت قهرمان

لوح قدر به دست او کلک قضا به شصت او

مفتقرا متاب روی، از در او به هیچ سوی

تا که ثنای حضرت سیده النسا کند

چشم دل از نظاره در مبدا و منتها کند

وهم چگونه وصفِ آینه حق نما کند؟

جلوه‌ی او حکایت از خاتم انبیا کند

صبح جمال او طلوع از افق علا کند

قصه‌ای از مروتش سوره هل اتی کند

در نشآت کن فکان، حکم به ما تشا کند

تا که مشیت الهیه چه اقتضا کند

زانکه مس وجود را فضّه‌ی او طلا کند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فاطمة وَاٰلِهَا وَرَجُلِهَا وَتَبِعِهَا وَالْبَيْتِ الْمُسْتَوِي فِيهَا عِزًّا وَجَلَالًا وَمَجْدًا وَكَرَامًا وَتَقَرُّبًا لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ



موضوع

رمز بندگی در
کلام فاطمی
جلسه سوم

أَخْرَجَكَ مَا لَمْ يَأْتِ الْفَقْرَى

وهادی زهره

و تو چه می رانی رب قدر چیست؟

چه بنویسم از آن بی ابتدا، بی انتها، زهرا
ازل زهرا، ابد زهرا، قدر زهرا، قضا زهرا
شگفتا فاطمه! یا للعجب! و احیرتا! زهرا
چه می فهمم من از زهرا و ما ادراک ما زهرا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سخنرانی جناب آقای محمد حسین رحیمی

www.almenhaj.com

@almenhaj
@almenhajGroup
@almenhaj

ایم سی ای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)



(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)



(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)



(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)



(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم)

(یا به جهل کشیده شوم)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّديقَةِ؛

فاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ؛

حَبِيبَةَ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ؛

وَ أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيائِكَ؛

الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا

عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

آن بانویی که تاج شفاعت به دست اوست
هر تار و پود عالم هستی ز هست اوست

آن را که حق به سوره کوثر ستوده است
در شأن وی هر آنچه بگویم شکست اوست



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

(هِيَ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى)

(وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ایشان صدیقه‌ی کبری است و بر محور معرفت او

تاریخ گذشته شکل گرفته است.



كلام فاطمی

كلام فاطمی

گروه فرهنگی المنهاج



كلام فاطمی

رمز بندگی در
كلام فاطمی

جلسه سوم



آنچه گذشت

در جلسه‌ی گذشته گفتیم:

یکی از درخواستهای مهم هر مسلمان،
هدایت به (صراط مستقیم)،
یا (عبودیت) است:

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

(صراط مستقیم) یا (عبودیت)

محتوای دعوت رسولان،

و هدف خلقت جن و انس است:

(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا)
(أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ)

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)



حال اگر سوال کنیم:

غایت (عبودیت) یا (صراط مُسْتَقِيم)

چیست؟

پاسخ قرآن کریم این است که:

(وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ)





انسان در سیر طبیعی خود،
اولین قدمی را که برمی‌دارد کسب **(علم)** است.

در قدم بعد،
اگر **(علم)** را به مرحله‌ی **(عمل)** برساند؛
موجب شکوفایی **(علم)**، و رفتن آن،
به مرحله‌ای دیگر، با کیفیتی دیگر می‌گردد.





سیر در چرخه‌ی (علم و عمل)،
تا جایی ادامه پیدا می‌کند که:

(علم) ثابت شده، شک را قبول نمی‌کند،
و آرامش و طمانینه به دنبال می‌آورد؛

و این، همان تعریف (یقین) است.



(عبودیت)

همان چرخه‌ی (علم و عمل) است؛
که (یقین) را به دنبال می‌آورد.

و (یقین)

(یک نحوه ادراک)

یا (یک نحوه نگرش به زندگی) است.

آنچه در نزد الله تعالی، دارای ارزش است:
(عملی) است که به (یقین) منتهی شود.

و (یقین)

(یک نحوه‌ی ادراک)

یا (یک نحوه‌ی نگرش به زندگی) است.

این کلام عجیب که:

هدف تمامی دستورات دینی، تاثیر گذاری بر:
(**نحوه‌ی ادراک** یا **نحوه نگرش به زندگی**) است؛

نتایج شگفت‌انگیزی را به دنبال دارد،
که در فصل بعدی گفتار، به آن خواهیم پرداخت.



كلامك و عجزنا

كلامك و عجزنا

گروه فرهنگی المنهاج



فاطمی

رمز بندگی در
کلام فاطمی

جلسه سوم



ادامه‌ی سخن



هدف تمامی دستورات دینی، تاثیر گذاری بر:
(**نحوه‌ی ادراک** یا **نحوه نگرش به زندگی**) است؛

(**نحوه‌ی ادراک** یا **نحوه‌ی نگرشی**)

که دین به دنبال آن است، (**یقین**) نام دارد.





حال چالش اساسی این است که:

(نحوه‌ی ادراک یا نحوه‌ی نگرش یا نحوه‌ی یقینی)

که دین به دنبال آن است،

(چگونه نگرشی است؟)

برای روشن شدن این مطلب،
به بیانات بخش بعد توجه فرمایید!

(صلی الله علیه و آله)
حدیثی از رسول اکرم
درباره ی یقین

جاءَ جَبْرئيلُ عليه السلام للنبيِّ صلى الله عليه وآله فقالَ:
يا رسولَ الله، إِنَّ اللهَ تبارَكَ و تعالَى
أرسلَنِي إِلَيْكَ بِهَدِيَّةٍ لَمْ يُعْطِهَا أَحَدًا قَبْلَكَ.

جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر آمد و عرض کرد:
ای رسول خدا! خداوند تبارک و تعالی
مرا با هدیه‌ای سوی تو فرستاده است که:
قبل از تو آن را به هیچ‌کس نداده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:
قُلْتُ وَ مَا هِيَ ؟ قَالَ: الصَّبْرُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ.

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:
گفتم: آن چیست؟
جبرئیل گفت: (صبر) و بهتر از آن.



قلتُ: و ما هُو؟ قال: الرِّضَا و أَحْسَنُ مِنْهُ.
قلتُ: و ما هو؟ قال: الزُّهْدُ و أَحْسَنُ مِنْهُ.

گفتم: آن چیست؟ گفت: (رضا) و بهتر از آن.
گفتم: آن چیست؟ گفت: (زهد) و بهتر از آن.



قلتُ: و ما هو؟ قال: الإِخْلَاصُ و أَحْسَنُ مِنْهُ.
قلتُ: و ما هو؟ قال: اليَقِينُ و أَحْسَنُ مِنْهُ.

گفتم: آن چیست؟ گفت: (اخلاص) و بهتر از آن.
گفتم: آن چیست؟ گفت: (یقین) و بهتر از آن.





قلتُ: و ما هو؟ قالَ جبرئیلُ:
إِنَّ مَدْرَجَةَ ذَلِكَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

گفتم: بهتر از (یقین) چیست؟ جبرئیل گفت:
پلکان آن (توکل) بر خداوند عز و جل است.

دقت کنید!

هدیه‌ای که خداوند:
قبل از رسول الله آن را به هیچ‌کس نداده است:

(صبر) و (رضا) و (زهد) و (اخلاص) و (یقین)
و (توکل) بر خداوند عزّ و جلّ است.

(صبر) و (رضا) و (زهد) و (اخلاص) و (یقین)

و (توکل) بر خداوند عز و جل که:

(هریک از دیگری بهترند)

و نردبان بالا رفتن و دسترسی به این امور:

(توکل) بر خداوند عز و جل است.

قبل از این که در ادامه‌ی این حدیث شریف،
به شرح معنای **(توگّل)** پردازیم،
در نظر داشته باشید که:

هدف تمامی دستورات دینی، تاثیر گذاری بر:
(نحوه‌ی ادراک یا نحوه نگرش به زندگی) است.

در طول صفحات آینده،
در شرح معنای **(توکل)**،
در نظر داشته باشید که:

آیا چیزی جز **(نحوه‌ی ادراک)**،
یا **(نحوه نگرش به زندگی)** مشاهده
می‌کنید؟

شرح حقیقتِ توکل

(فَقُلْتُ وَ مَا التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ،)

از جبرئیل پرسیدم:

(حقیقت توکل بر الله عز و جل چیست؟)

جبرئیل در پاسخ گفت:

(الْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ)،

(توکل یافتن این حقیقت است که)

(مخلوق نه ضرر میزند نه نفع می‌رساند)

(وَلَا يُعْطِي وَ لَا يَمْنَعُ)،

(و نه عطا می کند و نه منع)

(وَ اسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ)،

(و این که به کلی از خلق ناامید شوی).

كلام فاطمی

كلام فاطمی

گروه فرهنگی المنهاج



كلام فاطمی

رمز بندگی در
كلام فاطمی

جلسه سوم



آثار توکل

سپس در آثار **(توکل)**، چنین می‌گوید:

(فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ)،

(وقتی بنده‌ای این‌گونه شد)

(لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ)،

(برای احدی غیر الله تعالی کار نمی‌کند)



(وَلَمْ يَرْجُ وَ لَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ)،

(به احدی غیر الله تعالی امید نمی بندد)

(و از احدی غیر الله تعالی خوف ندارد)

(وَلَمْ يَطْمَعُ فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ)،

(و به احدی غیر الله تعالی طمع نمی کند).



(فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ)،

(این همان حقیقت توکل است)

و **(توگّل)** **(یافتن)** این حقیقت است که:

(مخلوق نه ضرر می زند نه نفع می رساند)

(و نه عطا می کند و نه منع)

(و این که به کلی از خلق ناامید شوی)

آیا در شرح معنای **(توگّل)**، چیزی جز **(نحوه‌ی ادراک)**،

یا **(نحوه نگرش به زندگی)** مشاهده می‌کنید؟





آیا **(یافتن)** این حقیقت که:
(مخلوق نه ضرر میزند نه نفع می‌رساند)
(و نه عطا می‌کند و نه منع)
(و این که به کلی از خلق ناامید شوی)
 چیزی جز **(حقیقت توحید)** است که می‌گوید:

حق تعالی **(مالک حقیقی)** تمام عالم است.
(قوام و هستی) تمام عالم، به حق تعالی وابسته است.



آیا **(یافتن)** این حقیقت که:

(مخلوق نه ضرر میزند نه نفع می‌رساند)

(و نه عطا می‌کند و نه منع)

(و این که به کلی از خلق ناامید شوی)

جز در **(چرخه‌ی علم و عمل)**،

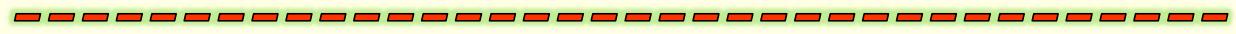
و در **(سیر زندگی)**، به دست می‌آید؟



حال به ادامه‌ی روایت،

و به شرح حقیقتِ **(صبر)**،

توجه کرده و باز هم در نظر داشته باشید که:



آیا چیزی جز **(نحوه‌ی ادراک)**،

یا **(نحوه نگرش به زندگی)** مشاهده می‌کنید؟



شرح حقیقتِ صبر

قُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ فَمَا تَفْسِيرُ الصَّبْرِ؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

از جبرئیل سوال کردم:

پس تفسیر (صبر) چیست؟

قَالَ تَصْبِرُ فِي الضَّرَاءِ كَمَا تَصْبِرُ فِي السَّرَاءِ،
وَ فِي الْفَاقَةِ كَمَا تَصْبِرُ فِي الْغِنَاءِ.

جبرئیل پاسخ داد:

این که در **(الضَّرَاءِ / سختی‌ها)** صبر کنی،
همچنان که در روزگار آسایش صبر می‌کنی؛
و در **(الْفَاقَةِ / تهیدستی)** صبر کنی،
همچنان که در توانگری صبر می‌کنی.



و فِي الْبَلَاءِ كَمَا تَصْبِرُ فِي الْعَافِيَةِ،
فَلَا يَشْكُو حَالَهُ عِنْدَ الْمَخْلُوقِ بِمَا يُصِيبُهُ مِنَ الْبَلَاءِ.

و در بیماری و گرفتاری صبر کنی،
همچنان که در زمان سلامت و عافیت صبر می کنی.
آدم صبور از بلایی که به او می رسد،
نزد مخلوق شکایت نمی کند.

آیا **(صبر)** در **(سختی و آسایش)**
(تهیدستی و توانگری و بلاء و عافیت)

چیزی جز **(نحوه‌ی ادراک)**،
یا **(نحوه نگرش به زندگی)** است؟
و آیا جز در **(چرخه‌ی علم و عمل)**،
و در **(سیر زندگی)** به دست می‌آید؟

آیا (صبر) در (سختی و آسایش)

(تهیدستی و توانگری و بلاء و عافیت)

چیزی جز همان (بیان توحیدی) است که می‌فرماید:

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا
(هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)

پیام

(قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا)
(هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)

این است که:

بگو (و به این قول پایبند باش) که:

(هر اتفاقی که برای ما می افتد)

(و هر امری که بر ما واقع می شود)

چیزی نیست جز آنچه (الله تعالی) برای ما نوشته،
یعنی (مقدر کرده است)



(هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)

او مولای ما است،
و مؤمنان فقط بر الله تعالی (توکل) می کنند.

آیا در این عبارتها
چیزی غیر از (ادراک توحیدی) می شنوید.



در این بخش از گفتار،
از شرح حقیقت (رضا، زهد و اخلاص)،
صرف نظر کرده،
و فقط به بخش پایانی روایت،
در شرح حقیقت (یقین) می پردازیم.



شرح حقیقتِ یقین

قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ الْيَقِينِ؟

پس از جبرئیل سوال کردم:
تفسیر (یقین) چیست؟

قَالَ الْمُؤْمِنُ يَعْمَلُ لِلَّهِ كَأَنَّهُ يَرَاهُ.

پاسخ داد:

(صاحب یقین) برای الله تعالی کار می کند،

به گونه ای که گویا او را می بیند.

فَإِنَّ لَمْ يَكُنْ يَرَى اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ يَرَاهُ.

و اگر (در این درجه نیست که گویا الله را می بیند)

به گونه ای عمل می کند که:

گویا الله تعالی او را می بیند.

(صاحب یقین) برای الله تعالی کار می کند،
به گونه ای که (گویا او الله را می بیند)،
یا (گویا الله تعالی او را می بیند).

این امر عجیب،

سرّ نحوه ی عملکرد (صاحب یقین) است.

دقت کنید!

(گویا او الله را می بیند)

یا (گویا الله تعالی او را می بیند)

فقط در (چرخه‌ی علم و عمل) معنا پیدا می کند.

(صاحب یقین)

در (چرخه‌ی علم و عمل)

به گونه‌ای انتخاب می‌کند که:

به (الله تعالی) توجه دارد و این توجه،
در (نحوه‌ی انتخاب او) اثر می‌گذارد.



(الله تعالی)

(منشأ عالم است)

توجه به (منشأ عالم)،
در (تمامی انتخابها) اثر می‌گذارد،
و از جمله نتایج آن این است که:



(نفع و ضرر را به دست الله می‌داند)
(به کلی از خلق ناامید است)

-
- (برای احدی غیر الله تعالی کار نمی‌کند)
 - (به احدی غیر الله تعالی امید نمی‌بندد)
 - (و از احدی غیر الله تعالی خوف ندارد)
 - (و به احدی غیر الله تعالی طمع نمی‌کند)



و اگر این امور را مشاهده نمی کند:

ولی در (چرخه‌ی علم و عمل)،
و در (تمامی انتخابها) مشاهده می شود.

خصوصیت دیگر (صاحب یقین)
این است که:

وَ أَنْ يَعْلَمَ يَقِينًا أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ،
وَ أَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ.

به عبارت (أَنْ يَعْلَمَ يَقِينًا) توجه کنید!
معنای این عبارت این است که:

او قطعاً و یقیناً (یافته است).
سخن از (یافتن) است نه از (دانستن).



او قطعا و یقینا **(یافته است)** که:

وَأَنَّ يَعْلَمَ يَقِينًا أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ،
وَأَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ.

آنچه که **(برای او رخ داد)**

هرگز ممکن نبود اتفاق نیوفتد؛

آنچه که **(برای او رخ نداد)**

هرگز ممکن نبود اتفاق بیوفتد.



آیا پیام

(قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا)
(هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)

را به یاد می آورید؟

آیا در تمامی آنچه که در این روایت شنیدید،
چیزی جز (نحوه‌ی ادراک)،
یا (نحوه نگرش به زندگی) مشاهده می‌کنید؟

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ
وَ صَلِّ عَلَى ابْتُولِ الطَّاهِرَةِ الصَّديقَةِ الْمُعْصُومَةِ
التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ الرَّشِيدَةِ
الْمَظْلُومَةِ الْمُقْهُورَةِ
الْمَغْصُوبَةِ حَقِّهَا
الْمَمْنُوعَةِ إِرْتِثِهَا الْمَكْسُورَةِ ضِلْعُهَا
الْمَظْلُومِ بَعْلِهَا الْمُقْتُولِ وَلَدُهَا
فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِكَ وَ بَضْعَةَ لَحْمِهِ وَ صَمِيمِ قَلْبِهِ.



ناطقه مرا مگر روح قُدس کند مدد

فیض نخست و خاتمه نور جمال فاطمه

صورت شاهد ازل، معنی حسن لم یزل

مطلع نور ایزدی مبدا فیض سرمدی

لیله‌ی قدر اولیاء، نور نهار اصفیاء

وحی و نبوتش نسب جود و فتوتش حسب

در جبروت حکمران، در ملکوت قهرمان

لوح قدر به دست او کلک قضا به شصت او

مفتقرا متاب روی، از در او به هیچ سوی

تا که ثنای حضرت سیده النسا کند

چشم دل از نظاره در مبدا و منتها کند

وهم چگونه وصفِ آینه حق نما کند؟

جلوه‌ی او حکایت از خاتم انبیا کند

صبح جمال او طلوع از افق علا کند

قصه‌ای از مروتش سوره هل اتی کند

در نشآت کن فکان، حکم به ما تشا کند

تا که مشیت الهیه چه اقتضا کند

زانکه مس وجود را فضّه‌ی او طلا کند